

فهرست مطالب

۲۱سخن مولف
۲۵فصل اول: مقدمه
۲۶دادخواست
۲۸بند ۲ ماده ۴۲۶
۲۹عناوین خواسته
۳۰انواع فرم‌های دادخواست
۳۰نوشتن تمامی خوانده‌ها
۳۰تنظیم دادخواست
۳۰اقامتگاه خوانده‌ها
۳۱موضوع خواسته
۳۱استناد به مواد قانونی
۳۱ذکر مدارک و دلایل
۳۱نکات لازم جهت تکمیل دادخواست
۳۱نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و در صورت امکان شغل خواهان
۳۲نکات مهم راجع به تعیین بهای خواسته
۳۳تفاوت خواسته و بهای خواسته:
۳۴نحوه تعیین بهای خواسته:
۳۵تعیین خواسته غیرمالی:
۳۵اعتراض به بهای خواسته:
۳۵مطابق تبصره ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف:
۳۷فصل دوم: خواسته، تغییر، کاهش و افزایش آن
۳۸تعریف خواسته:
۳۸تعریف خواسته منجز:
۳۸اوصاف خواسته:

۳۹	اقسام خواسته:
۳۹	تقسیم بندی دعاوی و آثار ناشی از آن:
۴۰	تغییر خواسته
۴۱	کاهش خواسته
۴۲	دلایل کاهش خواسته
۴۲	مهلت زمان کاهش خواسته
۴۳	شرایط کاهش خواسته در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی
۴۳	آیا با کاهش خواسته از هزینه دادرسی کاسته میشود؟
۴۴	افزایش خواسته
۴۴	مواد قانونی مرتبط با افزایش خواسته در آیین دادرسی مدنی
۴۵	نمونه تقاضای افزایش خواسته
۴۶	نمونه لایحه افزایش خواسته
۴۶	نکات کلی:
۴۹	فصل سوم: کیفیت رسیدگی در دادسرا و حدود اختیارات دادستان و بازپرس
۵۰	کیفیت تحقیقات در دادسرا:
۵۰	طرح شکایت
۵۱	صدور قرار تأمین
۵۲	ختم تحقیقات
۵۲	تاریخ و محل وقوع جرم
۵۳	نقش دادسرا در مرحله دادرسی
۵۳	اجرای احکام کیفری
۵۳	ویژگی دادسراها
۵۳	۱- سلسله مراتب
۵۴	۲- استقلال دادسرا
۵۵	۳- وحدت دادسرا
۵۵	۴- قابلیت رد دادرسی
۵۵	۵- عدم مسئولیت دادسرا
۵۶	وظایف دادسرا
۵۶	۱- کشف کردن جرم
۵۶	۲- تعقیب متهم
۵۶	۳- انجام دادن تحقیقات مقدماتی

۵۶	۴- اجرای احکام کیفری.....
۵۷	۵-انجام دادن امور حسبی.....
۵۷	رسیدگی به امور حسبی ذیل برعهده‌ی دادستان است:.....
۵۷	انواع دادرسا.....
۵۸	شرح وظایف و اختیارات هر کدام به طور جداگانه.....
۵۸	الف) دادرسای دیوان عالی کشور.....
۵۹	وظایف و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور.....
۵۹	ب) دادرسای عمومی و انقلاب.....
۶۰	وظایف دادگاه انقلاب.....
۶۲	صلاحیت دادگاه انقلاب.....
۶۳	پ) دادرسای نظامی.....
۶۴	دادگاه‌های نظامی عبارتند از:.....
۶۴	ت) دادرسای ویژه روحانیت.....
۶۵	سلسله مراتب مقامات قضایی در دادرسا.....
۶۵	جایگاه دادستان در سلسله مراتب مقامات قضایی در دادرسا:.....
۶۶	ریاست بر دادرسا.....
۶۶	ریاست ضابطان.....
۶۶	تقسیم کار بین قضات دادرسا.....
۶۶	نظارت بر انجام پروسه بازپرسی.....
۶۶	صدور کیفرخواست.....
۶۷	اظهارنظر در مورد قراردادهای نهایی بازپرس.....
۶۷	حضور در دادگاه جزایی.....
۶۸	اجرای احکام جزایی.....
۶۸	بررسی وظایف و اختیارات دادستان- وظایف اداری.....
۶۸	جمع آوری ادله در خصوص سفاهت صغار بدون ولی و جنون اشخاص.....
۶۹	تفاوت وظایف بازپرس و دادیار.....
۷۱	فصل چهارم: قراردادهای تامین کیفری.....
۷۲	انواع قرار به لحاظ کلی:.....
۷۴	انواع قراردادهایی عبارتند از:.....
۷۴	قرار نهایی منع تعقیب.....
۷۴	قرار موقوفی تعقیب.....

۷۵	قرار ترک تعقیب
۷۵	قرار بایگانی پرونده در امور کیفری
۷۶	شرایط صدور قرار بایگانی پرونده
۷۶	قابلیت اعتراض به قرار بایگانی کردن پرونده
۷۷	انواع قرارهای اعدادی یا مقدماتی
۷۹	آثار قرارهای اعدادی یا مقدماتی
۷۹	اهداف و انواع قرارهای تأمین کیفری
۸۰	التزام به حضور با قول شرف
۸۰	ضمانت اجرا
۸۰	در صورت عدم پذیرش قرار
۸۱	التزام به حضور با تعیین وجه التزام
۸۱	مورد قرار
۸۱	مقدار وجه
۸۱	شرایط أخذ وجه تعیین
۸۲	شرایط اعتراض به ضبط وجه التزام
۸۲	قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
۸۳	قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
۸۵	قرار کفالت
۸۵	شرایط تحقق مسئولیت کفیل
۸۷	موارد الغاء قرار
۸۷	موارد الغاء قرار کفالت بدون نیاز به اخذ تأمین مجدد
۸۸	قرار وثیقه
۸۸	مورد قرار
۸۸	انواع وثیقه
۹۰	تعریف بازداشت موقت
۹۰	شرایط بازداشت موقت
۹۰	الف: مجازات فوری مجرم
۹۱	ب: هدف ضمانتی
۹۱	ج: صیانت متهم در مقابل جامعه و خشم قربانی جرم
۹۱	مدت بازداشت موقت بستگی به جرم انتسابی دارد:
۹۲	نظارت قضایی در قانون دادرسی ایران

۹۳ ضرورت قراردادهای تأمین کفبری از نگاه حقوق فرانسه
۹۴ قرار توقف تحقیقات
۹۵ فصل پنجم: ایرادات دادرسی
۶۹ الف) ایراداتی که اثر پذیرش آنها تغییر مرجع رسیدگی است:
۷۹ ب) ایراداتی که در رسیدگی به دعوا مانع موقتی ایجاد می‌کند:
۷۹ ج) ایراداتی که در رسیدگی به دعوا مانع دائمی ایجاد می‌کند:
۹۸ مثالی از دعوا در خارج از مهلت اقامه شود:
۹۸ ایراد رد دادرسی:
۱۰۰ نمونه رای ایراد به سمت
۱۰۱ جمع بندی
۱۰۳ قانون امور حسبی
۱۰۴ مواد قانون آیین دادرسی کیفری رد دادرسی
۱۰۵ قانون نظارت بر رفتار قضات
۱۰۷ فصل ششم: دادرسی فوری (دستور موقت، تأمین خواسته)
۱۰۸ شباهت دستور موقت و تأمین خواسته:
۱۰۸ نکات :
۱۰۹ موارد دادرسی فوری یا دستور موقت بر دو نوع است:
۱۰۹ صلاحیت رسیدگی به دستور موقت
۱۰۹ الف) دادگاه صالح جهت صدور قرار دستور موقت
۱۰۱ ب) صلاحیت شخصی قاضی در رسیدگی به دادرسی فوری:
۱۱۰ اطلاع از نکات مهم قرار بازداشت موقت و انواع آن
۱۱۰ اقسام دستور موقت
۱۱۱ چگونگی رفع اثر از دستور موقت
۱۱۱ اطلاع از مراحل رسیدگی به شکایت کیفری در داسرا
۱۱۲ تفاوت اساسی دستور موقت با سایر نهادهای مشابه
۱۱۴ نکات مهم مرتبط با موضوع دستور موقت
۱۱۵ دستور موقت بدون پرداخت خسارت احتمالی
۱۱۶ شرایط خاص صدور قرار دستور موقت
۱۱۶ مطالبه خسارت ناشی از دستور موقت
۱۱۷ پایان دستور موقت
۱۱۷ تأمین خواسته

۱۱۸	شرایط اختصاصی تأمین خواسته.....
۱۱۸	درخواست تأمین برای دین مؤجل.....
۱۱۹	تبدیل تأمین خواسته.....
۱۲۰	اجرای تأمین خواسته به چه صورت است؟.....
۱۲۰	اعتراض به قرار تأمین خواسته چگونه انجام می‌شود؟.....
۱۲۱	فرق دستور موقت با تأمین خواسته.....
۱۲۳	فصل هفتم: قرار نهایی و انواع آن.....
۱۲۵	قرار نهایی در امور کیفری.....
۱۲۵	انواع قرار نهایی در دادسرا.....
۱۲۶	موارد صدور قرار موقوفی تعقیب.....
۱۲۶	قرار نهایی منع تعقیب.....
۱۲۶	قرار نهایی ترک تعقیب.....
۱۲۷	قرار جلب دادرسی یا قرار مجرمیت.....
۱۲۷	قرار نهایی با ردیف فرعی ۱ صادر شد یعنی چه؟.....
۱۲۸	قرار نهایی با ردیف فرعی ۲ صادر شد یعنی چه؟.....
۱۲۹	فرق حکم و قرار.....
۱۲۹	قرار نهایی با قرار اعدادی یا مقدماتی چه تفاوتی.....
۱۳۰	مواد مربوط به قرارها در قانون آیین دادرسی کیفری.....
۱۳۵	فصل هشتم: نهادهای ارفاقی، تعدد و تکرار جرم.....
۱۳۶	نهادهای ارفاقی.....
۱۳۶	تخفیف مجازات.....
۱۳۸	تعویق صدور حکم.....
۱۴۰	تعلیق اجرای مجازات.....
۱۴۲	انواع تعلیق:.....
۱۴۲	۱- تعلیق ساده.....
۱۴۳	۲- تعلیق مراقبتی.....
۱۴۳	شرایط عمومی.....
۱۴۳	نظام نیمه آزادی.....
۱۴۵	نظام آزادی مشروط.....
۱۴۷	تخفیف در جرایم.....
۱۴۸	ضمانت اجرای عدم انجام دستورات در مدت تعویق.....

۱۵۰	تعدد جرم
۱۵۱	مجازات اشد
۱۵۱	اشد مجازات
۱۵۳	حداقل مجازات هر جرم
۱۵۳	نکات مهم تعدد
۱۵۵	تکرار جرم
۱۵۵	مجازات تکرار جرم در جرایم حدی
۱۵۵	مجازات تکرار جرم در جرایم تعزیری
۱۵۷	نکات مهم:
۱۵۹	فصل نهم: قواعد حاکم بر قراردادها
۱۶۰	مهمترین تقسیمات
۱۶۱	عقد لازم
۱۶۱	عقد جایز
۱۶۱	عقد خیاری
۱۶۱	عقد منجز و عقد معلق
۱۶۳	انواع عقد معین
۱۶۶	اصل آزادی قراردادها (حاکمیت اراده)
۱۶۶	شرایط صحت قرارداد و انواع قرارداد
۱۶۷	قصد طرفین:
۱۶۷	رضای طرفین:
۱۶۷	اهلیت طرفین:
۱۶۸	صغیر غیر ممیز
۱۶۸	معاملات محجورین
۱۶۹	معاملات محجورین
۱۶۹	سفیه
۱۷۰	معاملات محجورین
۱۷۱	موضوع معین که مورد معامله باشد:
۱۷۱	مالیت داشتن:
۱۷۱	مشروع بودن:
۱۷۱	معلوم و معین بودن:
۱۷۱	ملک متعهد بودن:

۱۷۲	مشروعیت جهت معامله:
۱۷۲	بخش بعدی آثار عقد
۱۷۴	اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث
۱۷۶	بخش بعدی شرط ضمن عقد
۱۸۱	بخش بعدی سقوط تعهدات
۱۸۱	وفای به عهد
۱۸۱	اقاله
۱۸۲	ابراء
۱۸۲	تبدیل تعهد
۱۸۲	تهاتر
۱۸۲	مالکیت ما فی الذمه
۱۸۳	تلف قهری موضوع تعهد
۱۸۳	فسخ
۱۸۳	خيارات مشترک
۱۸۳	۱- خيار شرط:
۱۸۴	۲- خيار رويت
۱۸۴	۳- خيار غبن
۱۸۴	۴- خيار عيب
۱۸۴	۵- خيار تدليس
۱۸۴	۶- خيار تبعض صفة
۱۸۴	۷- خيار تخلف شرط
۱۸۵	۸- خيار تفليس
۱۸۵	۹- خيار تعذر تسليم يا تعذر اجراء تعهد
۷۸۱	فصل دهم: شرکت‌های سهامی و اسناد تجاری (صرفاً چک)
۱۸۸	فرق بین شرکت تجاری و حقوقی
۱۸۸	فرق بین شرکت و اشاعه
۱۸۹	شرایط اساسی شرکت‌های تجاری
۱۹۰	مجمع عمومی شرکت‌ها
۱۹۰	۱- مجمع عمومی مؤسس
۱۹۱	۲- مجمع عادی سالیانه
۱۹۲	وظایف مجمع عمومی فوق العاده

۱۹۵ خصوصیات شرکت سهامی خاص
۱۹۵ انحلال قهری:
۱۹۵ انحلال به تصمیم مجمع عمومی:
۱۹۶ انحلال به حکم دادگاه:
۱۹۶ اساسنامه شرکت سهامی خاص
۱۹۷ ویژگی‌های شرکت سهامی عام
۱۹۸ تاسیس شرکت
۱۹۸ (ب) تشخیص موسس
۱۹۹ (د) نظارت اولیه بر تاسیس شرکت
۲۰۰ پذیره نویسی
۲۰۰ (الف) تعداد پذیره نویسان
۲۰۱ اسناد تجاری
۲۰۱ انواع اسناد تجاری
۲۰۱ ۱- چک:
۱۰۲ ۲- سفته یا فته طلب:
۲۰۱ مطالبه سفته
۲۰۲ ۳- رات:
۲۰۲ اوصاف اسناد تجاری
۲۰۳ انواع چک
۲۰۳ شکایت کیفری چک
۲۰۴ نحوه صدور اجرائیه در قانون جدید چک
۲۰۴ صلاحیت دادگاه
۲۰۵ دادگاه صالح برای مطالبه چک کیفری
۲۰۵ الزامات قانون جدید صدور چک
۲۰۶ نحوه وصول چک‌های ثبت شده در سامانه صیاد
۲۰۷ طرح دعوی چک برگشت خورده در قانون جدید
۲۰۷ مهلت اجراییه پرداخت چک برگشت خورده
۲۰۸ خسارت تاخیر تادیه مخصوص چک
۲۰۸ فرمول محاسبه خسارت تاخیر تادیه
۲۰۸ هزینه طرح دعوای خسارت تاخیر تادیه

۲۱۱	فصل یازدهم: اعتراض عادی و فوق العاده به آراء در آیین دادرسی کیفری
۲۱۲	تفاوت‌های قانون آئین دادرسی کیفری با قانون آئین دادرسی مدنی:
۲۱۳	روش اعتراض عادی:
۲۱۴	جهات عذر موجه
۲۱۴	تجدیدنظرخواهی (اعتراض به رای در دادگاه تجدیدنظر):
۲۱۶	احکام غیر قابل تجدیدنظر:
۲۱۶	جهات و دلایل تجدیدنظر:
۲۱۷	نقض بلا ارجاع
۲۱۸	افراد صالح برای فرجامخواهی:
۲۱۸	آرای قابل فرجام خواهی:
۲۱۸	احکام غیر قابل فرجام خواهی:
۲۱۹	مهلت درخواست فرجام خواهی:
۲۲۰	نحوه رسیدگی به درخواست فرجام خواهی:
۲۲۵	جهات اعاده دادرسی (عام و خاص) در دعاوی حقوقی:
۲۲۷	اعاده دادرسی عام
۲۲۷	اعاده دادرسی خاص (اعمال ماده ۴۷۷)
۲۳۱	چند ویژگی اعتراض عادی و فوق العاده:
۲۳۳	فصل دوازدهم: صلاحیت کیفری
۲۳۴	صلاحیت قاضی
۲۳۴	موارد رد دادرس و قضات دادسرا برابر ماده ۴۶ عبارتند از:
۲۳۵	صلاحیت شعبه رسیدگی کننده:
۲۳۶	نتایج امره بودن قوانین صلاحیت کیفری
۲۳۶	ارزش و اعتبار تصمیمات مراجع فاقد صلاحیت
۲۳۷	عطف بماسبق شدن قوانین صلاحیت کیفری
۲۳۸	تقسیم بندی
۲۳۸	انواع صلاحیت
۲۳۸	صلاحیت ذاتی
۲۳۹	مصادیق صلاحیت ذاتی به شرح ذیل می‌باشند:
۲۴۱	صلاحیت محلی
۲۴۲	دادگاه محل وقوع جرم
۲۴۳	تشخیص محل وقوع جرم

۲۴۳ محل وقوع عنصرمادی و محل حصول نتیجه
۲۴۶ جرائم ارتكابی هواپیمایی و دریایی
۲۴۹ جرائم بین المللی
۲۴۹ جرائم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران
۲۴۹ محل وقوع جرم از لحاظ روابط بین المللی
۲۵۰ جرائم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران
۲۵۰ صلاحیت شخصی
۲۵۴ صلاحیت نسبی
۲۵۴ صلاحیت اضافی
۲۵۵ موارد صلاحیت اضافی
۲۵۵ الف - جرائم غیر قابل تفکیک
۸۵۲ ب- جرائم مرتبط
۲۵۸ وحدت دادرسی
۲۵۹ موارد استثناء
۲۶۰ اختلاف در صلاحیت
۲۶۰ احاله
۲۶۱ احاله در امور کیفری
۲۶۲ موارد قانونی صدور احاله
۲۶۳ موارد استثنایی صدور احاله در امور کیفری
۲۶۳ چه کسانی می‌توانند تقاضای احاله کنند؟
۲۶۳ نکات تکمیلی در خصوص احاله
۲۶۴ مستندات قانونی احاله در امور کیفری
۲۶۴ ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری
۲۶۵ ماده ۴۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری
۲۶۵ جمع بندی
۲۶۷ فصل سیزدهم: جنایات عمدی
۲۶۸ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی
۲۶۸ جرم عمدی
۲۶۹ کلیات و عناصر جرم عمدی
۲۶۹ موضوع اکراه در جرم عمدی
۲۷۰ تاثیر قصد و انگیزه در ارتكاب جرم عمدی

۲۷۰ عمد مرتکب و جرم عمدی
۲۷۰ مجازات قصاص در جرم عمدی
۲۷۰ موضوع تعزیر در جرم عمدی
۲۷۱ نقش جنون در جرم عمدی
۲۷۱ مجازات شریک در جرم عمدی
۲۷۲ مجازات‌های مربوط به جرم عمدی
۲۷۲ عنصر معنوی
۲۷۳ قتل عمد
۲۷۵ علم
۲۷۶ علم به موضوع
۲۸۰ علم به انسان بودن
۲۸۱ زنده بودن
۲۸۱ محقون الدم بودن مقتول
۲۸۳ انواع وسیله
۲۸۳ نوعاً کُشنده
۲۸۴ رفتار نوعاً کُشنده مطلق
۲۸۵ رفتار نوعاً کُشنده‌ی نسبی
۲۸۶ نادراً کُشنده
۲۸۷ علم به وضعیت خاص مجنی علیه
۲۸۷ علم به وضعیت جسمانی
۲۸۸ وضعیت‌های ظاهری مجنی علیه
۲۸۸ مواردی که علم مرتکب ضروری است
۲۸۸ مواردی که علم مرتکب ضروری نیست
۲۹۰ علم به موقعیت مکانی و زمانی
۲۹۰ اراده و نقش آن در رکن روانی قتل عمدی
۲۹۰ مفهوم و مراحل تکوین اراده
۲۹۴ عناصر جرم قتل
۲۹۴ ۱- عنصر مادی (رفتار)
۲۹۵ ۲- عنصر روانی قتل
۲۹۵ انواع قتل و مجازات آنها
۲۹۵ قتل عمدی

۲۹۵ مجازات قتل عمدی
۲۹۵ قتل شبه عمدی
۲۹۶ قتل خطای محض
۲۹۶ شرایط لازم برای وقوع قتل
۲۹۶ اشخاص مهدورالدم مطلق
۲۹۷ اشخاص مهدورالدم نسبی
۲۹۷ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه
۳۰۷ فصل چهاردهم: حقوق جزای کاربردی در وکالت
۳۰۸ جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور
۳۱۱ اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی
۳۱۲ سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی
۳۱۲ تهیه و ترویج سکه قلب
۳۱۳ جعل و تزویر
۳۱۷ محو یا شکستن مهر و پلمب و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی
۳۱۷ فرار مجوسین قانونی و اخفای مقصرین
۳۲۰ غصب عناوین و مشاغل
۳۲۰ تخریب اموال تاریخی، فرهنگی
۳۲۳ تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی
۳۲۶ ارتشاء و ربا و کلاهبرداری
۳۲۷ امتناع از انجام وظایف قانونی
۳۲۸ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت
۳۳۰ تمرد نسبت به مأمورین دولت
۳۳۰ هتک حرمت اشخاصی
۳۳۱ اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم
۳۳۱ جرایم علیه اشخاص و اطفال
۳۳۵ جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی
۳۳۷ جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی
۳۳۸ قسم و شهادت دروغ و افشاء سر
۳۴۱ تهدید و اکراه
۳۴۱ ورشکستگی
۳۴۱ خیانت در امانت

۳۴۲ احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات
۳۴۵ هتک حرمت منازل و املاک غیر
۳۴۶ در افتراء و توهین و هتک حرمت
۳۵۳ جرایم ناشی از تخلفات رانندگی
۳۵۷ قانون جرایم رایانه ای
۳۵۷ مصوب ۱۳۸۸، ۰۳، ۰۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۳۵۸ جرایم و مجازاتها
۳۵۸ جرایم علیه محرمانگی داده‌ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی
۳۵۸ دسترسی غیرمجاز
۳۵۸ شنود غیرمجاز
۳۵۸ جاسوسی رایانه ای
۳۵۹ جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی
۳۵۹ جعل رایانه ای
۳۶۰ تخریب و اخلال در داده‌ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی
۳۶۰ سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه
۳۶۱ جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی
۳۶۲ هتک حیثیت و نشر اکاذیب
۳۶۳ مسؤولیت کیفری اشخاص
۳۶۵ سایر جرائم
۳۶۶ تشدید مجازات ها
۳۶۷ صلاحیت (آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای)
۳۶۸ جمع آوری ادله الکترونیکی
۳۶۸ نگهداری داده ها
۳۶۸ حفظ فوری داده های رایانه ای ذخیره شده
۳۶۹ ارائه داده ها
۳۶۹ تفتیش و توقیف داده‌ها و سامانه های رایانه ای و مخابراتی
۳۷۱ شنود محتوای ارتباطات رایانه ای
۳۷۱ استنادپذیری ادله الکترونیکی
۳۷۱ سایر مقررات
۳۷۳ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور
۳۷۳ مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹

۳۷۳ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵
۳۷۷ فصل پانزدهم: مقررات انتظامی
۳۷۸ بخش اول- قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵
۳۷۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۳۷۸ وکیل و شرایط وکالت
۳۸۳ حقوق و وظائف
۳۸۷ در تعقیب و مجازات انتظامی و کلاء
۳۸۸ مقررات مختلفه
۳۸۹ بخش دوم: لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری
۳۸۹ مصوب ۱۳۳۳/۰۵/۱۲
۳۹۵ بخش سوم- قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری
۳۹۵ مصوب ۱۳۷۶,۰۱,۱۷
۳۹۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۳۹۹ بخش چهارم- آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
۳۹۹ مصوب ۱۴۰۰/۴۰/۲۰ رئیس قوه قضاییه با اصلاحات ۱۴۰۲/۴/۱۱
۴۰۰ انتخاب هیئت مدیره
۴۰۵ انتخابات هیئت رئیسه کانون و وظائف آن
۴۰۷ آزمون ورودی، پروانه وکالت و کارآموزی
۴۱۷ بخش پنجم- درجه بندی و کلا و ترفیعات
۴۱۸ تعهدات و وظائف وکلا
۴۲۸ دادسرا و دادگاه انتظامی
۴۳۲ تخلفات و مجازات های انتظامی
۴۴۱ اجرای احکام انتظامی
۴۴۳ بخش دهم: سایر مقررات
۴۴۵ بخش پنجم- عقد وکالت
۴۴۵ حق الوکاله
۴۴۵ تکالیف مالیاتی
۴۴۵ وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت
۴۴۵ روش های انعقاد قرارداد وکالت
۴۴۶ انواع وکالت
۴۴۶ وکالت تعیینی

۶۴۴	وکالت اتفاقی:
۶۴۴	وکالت تسخیری:
۴۴۷	حدود اختیارات وکیل
۴۴۸	نحوه پرداخت حق الوکاله
۴۴۸	سامانه ثبت قرارداد الکترونیک برای وکلا
۴۴۸	عقد وکالت مطابق ماده ۶۷۸ به سه طریق به پایان می‌رسد:
۴۴۹	تکالیف مالیاتی وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت
۴۵۶	بخش ششم- سایر مقررات انتظامی
۴۵۶	وکالت در دعاوی
۴۵۶	قانون مدنی باب دوم (ماده ۳۱ تا ۴۷)
۴۶۱	وکالت در قانون مدنی (ماده ۶۵۶ تا ۶۸۳)
۴۶۱	تعهدات وکیل در قانون مدنی
۴۶۲	تعهدات موکل در قانون مدنی
۴۶۲	طرق مختلفه انقضاء وکالت در قانون مدنی

بسمه تعالی

سخن مولف

در تالیف این کتاب سعی بر آن شده که کاربردی‌ترین مسائل و مبتلا به‌ترین موضوعات حقوق مدنی، حقوق تجارت، آیین دادرسی مدنی، حقوق جزای عمومی و اختصاصی، آیین دادرسی کیفری و مقررات انتظامی بررسی شود. با توجه به اینکه از سال ۱۴۰۲ شمسی ورودی‌های کارآموزان وکالت اعم از کانون‌های وکلا و مرکز وکلا و مشاوران طبق قانون تسهیل صدور مجوز مصوب سال ۱۴۰۰ و همچنین طبق آیین نامه لایحه استقلال کانون‌های وکلا می‌بایست دوره کارآموزی آنها طی شود، لذا تمامی سرفصل‌ها و منابع آزمون‌های اختبار تغییر چشمگیری پیدا کرده است و تمام کارآموزانی که به حرفه وکالت وارد شده‌اند از سال ۱۴۰۲ باید طبق مقررات جدید اقدام به مطالعه و سپری کردن مراحل کارآموزی و آزمون‌های آن طبق مقررات جدید بنمایند.

این مقررات مدت زمان و دوره مفید کارآموزی را ۱۵ ماه تعیین کرده است که خود این ۱۵ ماه را به سه قسمت تقسیم بندی کرده‌اند (مرحله اول ۲ ماهه مقدماتی - مرحله دوم ۶ ماهه متوسطه - مرحله سوم ۷ ماهه پایانی) که در مرحله اول یا مقدماتی دوره کارآموزی، کارآموز باید به مدت دو ماه در کلاس‌های حضوری شرکت نموده و در پایان این دوره مقدماتی باید یک آزمون دو ماهه اختبار مقدماتی را طی کند که قبولی در این دوره مشروط به تسلط کارآموز به مباحث و موضوعات کاربردی است که در این کتاب به طور کامل بیان شده است و هر کارآموز با هر سطحی که به حرفه وکالت وارد شده اگر به این کتاب مسلط شود به راحتی می‌تواند از پس آزمون اختبار مقدماتی برآید لذا به کارآموزان محترم توصیه می‌شود قبل از فرارسیدن مراحل کلاس‌های کارآموزی حداقل یک بار این کتاب را مطالعه نمایند. ممکن است بعضی از مباحث تکراری باشد

ولی همانطور که قبلاً عرض کردم این مطالب، کاملاً مطالب کاربردی و مورد بحث و بررسی در دوره‌های کارآموزی است. از آنجایی که سرفصل اکثر کانون‌های وکلا و مرکز وکلا در دوره‌های کارآموزی مورد بررسی مولف قرار گرفته است، لذا سرفصل کانون وکلای مرکز تهران مبنا و بیس مولف قرار گرفته و سرفصل سایر کانون‌ها و مرکز وکلا نیز در این کتاب پوشش داده شده است. در این کتاب مهم‌ترین موضوعات مربوط به حرفه وکالت طرح و بررسی شده است و با توجه به حضوری بودن کلاس‌ها، کاربردی‌ترین نکات و کلیدی‌ترین بحث‌ها از زبان مدرسین متخصص وکالت که سال‌ها تجربه وکالتی داشته‌اند نیز بیان شده است.

شاید برای مولف تالیف کتاب آکادمیکی بسیار راحت‌تر از تالیف این کتاب بود ولی به خاطر اهمیت موضوع و رویه‌ی جدید دوره‌های کارآموزی سعی شده که در این کتاب مطالب طوری بیان شود که هم شخص داوطلب آزمون وکالت بتواند از آن استفاده کند و هم شخص کارآموز وکالت مطالعه و استفاده کند.

اگر این کتاب را داوطلب آزمون وکالت که قصد ورود به حرفه وکالت را دارد مطالعه نماید و به این کتاب اشرافیت داشته باشد، احتمال و درصد موفقیت اونسبت به شخصی که نتوانسته این کتاب را مطالعه کند بسیار بالاتر است چرا که در این کتاب اکثر موضوعات مهم و کاربردی که نیاز است یک داوطلب بداند بررسی شده است و همچنین مطالب این کتاب طوری بیان شده است که داوطلب را به ذوق و انگیزه برساند و با علاقه برای آزمون مطالعه نماید و از سردرگم شدن بین کتاب‌ها خارج شود و همه منابع آزمونی در این کتاب برای دوره مقدماتی جمع شده است. همه می‌دانیم که مطالعه با علاقه، خیلی موثرتر خواهد بود لذا این کتاب حتی شخصی را که تازه می‌خواهد برای آزمون‌های حقوقی و وکالت خودش را آماده کند پیشنهاد و توصیه می‌شود حداقل یک بار کتاب را مطالعه کند که شما خواهید دید با یک بار مطالعه این کتاب، داوطلب تقریباً سوار بر موضوعات حقوقی می‌شود و از آن سردرگمی قبلی خارج شده و می‌داند که چه موضوعاتی را باید بیشتر تمرکز کند.

و همچنین کارآموزانی که به حرفه وکالت وارد شده‌اند چه برای آزمون اختیاری مقدماتی و چه برای آزمون اختیاری نهایی باید این مسیر را طی کنند پس توصیه می‌شود قبل از شروع فرایند کارآموزی این کتاب را مطالعه کنند، که باعث می‌شود دید کارآموز را به مراحل کارآموزی که جدیداً تغییر چشمگیری داشته است روشن‌تر سازد.

بعد از مرحله اول که دوره دو ماهه بود، شخص کارآموز یک آزمون اختبار مقدماتی را طی می‌کند که این کتاب مخصوص این دوره تالیف شده و بعد از این مرحله، مرحله دوم که به مدت ۶ ماه است شروع می‌شود که مولف برای مرحله دوم نیز، کتاب دوره کاربردی متوسطه کارآموزی را در دست تالیف دارد که در آن کتاب نیز به موضوعات کاملاً کاربردی و پرونده‌های مطرح در دادگاه‌ها پرداخته می‌شود.

و همچنین بعد از دوره مقدماتی دو ماهه و دوره متوسطه شش ماهه کارآموز وارد مرحله سوم شده، که دوره پایانی و اختبار نامیده می‌شود. مولف برای مرحله سوم نیز که ۷ ماه کلاس حضوری طبق مقررات تعیین شده است، کتابی را در دست تالیف دارد که در کتاب مرحله سوم یا اختبار پایانی به موضوعات کاملاً حرفه‌ای و کاربردی که یک وکیل مجرب باید بداند می‌پردازد.

سخن آخر اینکه این کتاب با مشورت مشاوران و روانشناسان و متخصصان حرفه وکالت، تالیف شده است و با توجه به بیان ساده این کتاب مخاطب را علاقمند به مطالعه و ادامه مطالعه و خواهد داشت و چون کاربردی ترین موضوعات در این کتاب جمع شده است، داوطلب را در دوره مقدماتی از مطالعه کتاب‌های متعدد و حجیم بی‌نیاز می‌سازد که این خود در مدیریت زمان بسیار مفید واقع خواهد شد. و در نهایت از اساتید گرانقدر آقایان مهدی خلیلی، مسعود نذیر خانلو، دکتر نواب حسینی، عبدالمجید قره‌گوزلو، محمود برجی، ذبیح‌اله فرامرزی، علی فتحی، خانم دکتر لیلا داداشی، آقای محمد یعقوبی، حسین کاووسیان، اصغر رحمانی، سید ناصر حسینی، دکتر علی رضا اصانلو، یوسف مجتهدی، دکتر هادی نعیمی، دکتر غلامرضا جعفری، دکتر علی پزشکی، حجت الاسلام دکتر قادر احمدی و دکتر علی رضا نواریان که در تالیف این کتاب بنده را یاری و کمک نموده‌اند نهایت سپاسگزاری را دارم.

دکتر مرتضی محمدی

فصل اول:

مقدمه



دادخواست

براساس ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی، شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است. دادخواست، به دفتر دادگاه صالح ارسال می‌شود. به موجب ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند، مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع، وکیل، قائم مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. دادخواست، باید به زبان فارسی و در فرم چاپی مخصوص نوشته شود. پر کردن دادخواست به لحاظ شکلی، اهمیت فراوانی دارد و مواردی که باید به لحاظ شکلی، رعایت بشوند در قانون، مشخص شده اند و عدم رعایت این موارد، سبب صدور قرار رد دادخواست، خواهد شد. امروزه، به روال سابق فرم کاغذی دادخواست وجود ندارد بلکه متقاضیان بایستی به دفاتر خدمات قضائی، مراجعه کنند و سپس با تکمیل اطلاعات به شکل آنلاین و الکترونیکی، دادخواست خود را به ثبت برسانند و سپس دادخواست، برای معاونت ارجاع ارسال می‌شود و سپس این معاونت دادخواست‌ها را به ترتیب برای شعب ارسال می‌کند.

دادخواست در قانون آیین دادرسی مدنی

ماده ۵۱ - دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

- ۱ - نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان.
- تبصره -** در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.
- ۲ - نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.
- ۳ - تعیین خواسته و بهای آن مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد.
- ۴ - تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.
- ۵ - آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.
- ۶ - ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

۷ - امضای دادخواست‌دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.

تبصره ۱ - اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.

تبصره ۲ - چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.

ماده ۵۳ - در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود:

۱ - در صورتی که به دادخواست و پیوسته‌های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده یا هزینه یادشده تأدیه نشده باشد.

۲ - وقتی که بندهای (۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) ماده (۵۱) این قانون رعایت نشده باشد.

ماده ۶۱ - بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

ماده ۶۲ - بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱ - اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه، و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود.

۲ - در دعاوی چندخواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمتهایی که مطالبه می‌شود.

۳ - در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند.

در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.

۴ - در دعاوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

ماده ۶۳ - چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

بند ۲ ماده ۶۲۴

ماده ۴۲۶ - نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود:

- ۱ - موضوع حکم، مورد ادعای خواهان نبوده باشد.
- ۲ - حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
- ۳ - وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد.
- ۴ - حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً توسط همان دادگاه صادر شده است متضاد باشد بدون آنکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد.
- ۵ - طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی به کار برده که در حکم دادگاه مؤثر بوده است.

- ۶ - حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده / باشد.
- ۷ - پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یادشده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است.

ماده ۵۱۵ - خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خوانده مطالبه نماید. خوانده نیز می تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید.

دادگاه در موارد یادشده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود.

در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.

تبصره ۱ - در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح

شود مطالبه خسارتهای موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست.
تبصره ۲ - خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی، قابل مطالبه می‌باشد.

عناوین خواسته

در دادگاه‌ها و محاکم دادگستری صرف محق بودن از حیث ماهوی کافی برای احقاق حق نیست و خواهان که حق وی مورد انکار و تضییع واقع شده است، باید برای رسیدن به حق خود، قواعد شکلی و آیین دادرسی را نیز جهت طرح دعوا در دادگستری رعایت نماید در غیر این صورت علی‌رغم محق بودن در اصل موضوع، از حق خود به طور موقت و یا دائمی محروم می‌گردد. یکی از قواعد شکلی مهم که باید در طرح دعوا رعایت گردد، ذکر کلیه خواسته‌های مرتبط در یک دادخواست است که لازم و ملزوم یکدیگر هستند و بدون طرح همه آن‌ها با هم، دادگاه به دعوا رسیدگی نمی‌نماید و قرار عدم استماع و یا رد دعوا صادر می‌گردد.

خواسته‌های مرتبط را نباید با دعاوی مرتبط اشتباه گرفت. خواسته‌های مرتبط یعنی یک دعوا از جانب خواهان مطرح شده است که آن دعوا برای به نتیجه رسیدن باید لزوماً دارای چند خواسته‌ی مرتبط باشد ولی دعاوی مرتبط یعنی چند دعوا از جانب چند نفر مطرح شده است که هم منشاء و با هم دارای ارتباط کامل هستند و هر یک موثر در دیگری است.

نکته:

در نوشتن دادخواست باید توجه داشت که حتماً تمامی خواننده‌های مربوط به یک پرونده باید ذکر شود، در غیر این صورت دادخواست رد می‌شود.

تنظیم دادخواست جهت ارائه به شورای حل اختلاف به صورت دستی و حضوری انجام می‌گیرد. ابلاغیه‌های مربوط به پیگیری دادخواست از طریق پیامک به طرفین دعوا ارسال می‌شود. چنانچه آدرس مشخصی از خواننده در دسترس نباشد، اطلاعیه‌ای در روزنامه منتشر می‌شود و در صورت عدم مراجعه خواننده، حکم به صورت غیابی صادر می‌شود.

همان طور که قبلاً اشاره شد، نگارش دادخواست از اهمیت بالایی برخوردار است و چنانچه طبق اصول مشخص و قانونی آن تنظیم نگردد، دادگاه به آن رسیدگی نخواهد کرد.

علاوه بر نحوه نگارش دادخواست، زبان شرح دادخواست نیز اهمیت دارد. جملات باید به زبان

رسمی و شفاف بیان شوند و باید از نوشتن جملات عامیانه خودداری نمائیم.

رعایت اصول نگارشی از جمله موارد زیر، مهم هستند:

- استفاده از علائم نگارشی مانند (، ؛ .)

- فاقد غلط املایی

- نوع و سایز مناسب فونت

انواع فرم‌های دادخواست

دادخواست بدوی یا دادخواست مخصوص دادگاه نخستین

دادخواست شورای حل اختلاف

دادخواست تجدید نظر

دادخواست فرجام خواهی

دادخواست دیوان عدالت اداری

دادخواست واخواهی

نوشتن تمامی خواننده ها

در نوشتن دادخواست باید توجه داشت که حتما تمامی خواننده‌های مربوط به یک پرونده باید ذکر شود، در غیر این صورت دادخواست رد می‌شود. به طور مثال چنانچه خودرویی را که چندین نفر با وکالت به هم انتقال داده‌اند تا به شما رسیده، در نوشتن دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی باید تمامی ایادی قبلی تا صاحب سند به عنوان خواهان ذکر شوند.

تنظیم دادخواست

اقامتگاه خواننده ها

اقامتگاه خواننده یکی از مهمترین نکات در تنظیم دادخواست است. چرا که مرجع صالح به رسیدگی براساس این آدرس تعیین می‌شود. همچنین، سعی کنید حتما آدرس خواننده را در هنگام ثبت دادخواست وارد کنید. چنانچه خواننده مجهول‌المکان باشد، پرونده دچار دشواری‌های زیادی از جمله انتشار دو نوبت آگهی روزنامه کثیرالانتشار خواهد بود.

موضوع خواسته

هنگام نوشتن دادخواست، حتما تمامی موارد مربوط به موضوع خواسته باید ذکر شود. چرا که دادگاه صرفا به موضوعات قید شده رسیدگی می‌کند. مثلا چنانچه در دعوی مالک و مستاجری که مدت اجاره تمام شده و مستاجر بخشی از اجاره را پرداخت ننموده، موضوع خواسته علاوه بر تخلیه عین مستاجر، مطالبه اجور معوقه و نیز خسارات قانونی (هزینه دادرسی، تاخیر تادیه و ...) خواهد بود. اگر همه موارد قید نشوند، باید دادخواست جداگانه‌ای بابت بخش‌های جامانده تقدیم شود.

استناد به مواد قانونی

استناد به مواد قانونی نیز یکی از مهمترین نکات تنظیم دادخواست است. برای همین موضوع، توصیه می‌گردد که حتما کار نوشتن دادخواست را به فرد حقوقی بسپارید.

ذکر مدارک و دلایل

یکی از نکات مهمی که باید در دادخواست رعایت گردد، ذکر کردن تمامی ادله ابرازی است. مثلا چنانچه فاکتور، مبایعه نامه، سند، رسید و یا هر دلیل دیگری دارید، باید در قسمت مربوطه وارد کنید. چنانچه برای پرونده خود قصد استفاده از شهود را دارید، باید حتما در بخش ادله به آن اشاره کنید و استماع شهادت شهود در متن دادخواست ذکر شود.

نکات لازم جهت تکمیل دادخواست

نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و در صورت امکان شغل خواهان.

تبصره - در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد. نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.

تعیین خواسته و بهای آن، مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد. تعهداتی که به موجب آن، خواهان، خود را مستحق مطالبه می‌داند و باید مقصود واضح بیان شود. آنچه که خواهان، از دادگاه درخواست دارد.

ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، که شامل از اسناد و نوشته‌ها و اطلاع مطلعین و غیره، و اگر دلیل، شهادت شاهدان باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت

آنان را به طور صحیح معین کند.

امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.

اگر خواننده (کسی که دعوا بر علیه او طرح شده است) مجهول المکان باشد، یعنی محل اقامت یا نشانی او، مشخص نباشد، برای ابلاغ دادخواست به خواننده، بایستی یک بار در روزنامه آگهی منتشر نمود و در صورتی که مراجعه‌ای صورت نگیرد، دادگاه بصورت غیابی، حکم صادر می‌کند.. اگر خواهان (کسی که دعوا را طرح می‌کند) یا محل اقامت او معلوم نباشد، به موجب ماده 56 قانون آیین دادرسی مدنی، ظرف دو روز از تاریخ رسید، به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.

تعیین خواسته و بهای آن نیز در صدور حکم بسیار اهمیت دارد. خواسته، به دو نوع مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود؛ به عنوان مثال، در صورتی که از شخصی طلبی داریم، بایستی میزان و مبلغ آن را در دادخواست قید نماییم. همچنین اگر مردی، همسرش منزل را ترک کرده است، باید در قسمت خواسته، الزام به تمکین همسرش را قید کند.

دلایل و منضمات دادخواست، نیز نقش بسیار مهمی در صدور حکم دارد، که به عنوان ادله اثبات دعوی در امور حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، کپی برابر با اصل سند ازدواج، شهادت شهود، کارشناسی و سوگند ... می‌توانند جزء دلایل دادخواست باشد، که از طریق پیوست‌های دادخواست بایستی ارائه شوند .

در قسمت شرح دادخواست نیز توضیحات کلی در خصوص دادخواست و خواسته، توسط خواهان نوشته شده و دلایل و مستندات نیز مورد اشاره قرار می‌گیرند .

نکات مهم راجع به تعیین بهای خواسته

قانونگذار نحوه تعیین بهای خواسته را در ماده 62 قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی کرده است.

اگر خواسته، پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه، و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست، بهای خواسته محسوب می‌شود.

در دعوای چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌کند، بهای خواسته مساوی است

با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود.

در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا یا پرداخت شود، بهای خواهی خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند.

در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده یا مادام‌العمر باشد، بهای خواهی خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ۱۰ سال یا آنچه را که ظرف ۱۰ سال باید استیفا کند.

در دعاوی راجع به اموال، بهای خواهی خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده است و خوانده تا نخستین جلسه دادرسی به آن ایراد یا اعتراض نکرده است مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

در آن دسته از دعاوی که خواهی خواسته آن منافع مادام‌العمر است، بهای خواهی خواسته حاصل جمع منافع ۱۰ ساله است اما دادگاه در صورت استحقاق خواهان، خوانده را به پرداخت مادام‌العمر منافع محکوم می‌کند

نکته ۱: تعیین خواهی خواسته مهم‌ترین قسمت تنظیم دادخواست است که خواهی خواهان از دادگاه باید به‌طور دقیق و صریح در این قسمت درج شود

نکته ۲: میزان خواهی خواسته در تعیین مرجع صالح رسیدگی و محاسبه هزینه دادرسی و قابلیت تجدیدنظر و فرجام رای می‌باشد.

نکته ۳: بهای خواهی خواسته باید مقطوع و منجز معین شود و در صورتی که میزان آن دقیقاً معین نباشد می‌توان فعلاً آن را موقتاً مقوم و حساب نمود

تفاوت خواهی خواسته و بهای خواهی خواسته :

خواهی خواسته موضوع و مطالباتی است که خواهان دعوی آن را از دادگاه می‌خواهد، و بهای خواهی خواسته مبلغ و یا ارزشی است که خواهان براساس آن میزان خواهی خواسته خود را تقویم و حساب می‌کند و بر اساس آن هزینه دادرسی را پرداخت می‌کند

بطور مثال مطالبه چک به میزان ۵۰۰ میلیون تومان - در اینجا مطالبه چک خواهی خواسته است و به میزان ۵۰۰ میلیون تومان بهای خواهی خواسته است
ضمانت اجرای مشخص نبودن دادخواست:

مشخص نبودن خواسته در دادخواست، باعث توقیف دادخواست می‌شود در این صورت با فرستادن اخطار رفع نقص با مهلت ۱۰ روزه از سوی مدیر دفتر از خواهان خواسته می‌شود که خواسته‌ی خود را در دادخواست درج نماید و اگر خواهان در مهلت مذکور ده روزه چنین نکند دادخواست با قراری که مدیر دفتر صادر می‌نماید رد می‌شود (قرار رد دادخواست، این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان دادگاه می‌باشد که نظر دادگاه قطعی است).

نحوه تعیین بهای خواسته:

مطابق با ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی: بهای خواسته در دعاوی مالی به شرح ذیل تعیین می‌شود

اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن همان مبلغ مورد مطالبه است

اگر خواسته پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست، بهای خواسته محسوب می‌شود (بنابراین در مواردی که خواسته پول خارجی (ارز) است بهای خواسته بر مبنای نرخ رسمی اعلامی از سوی بانک مرکزی ایران تعیین می‌شود و همچنین در مواردی که خواسته مطالبه سکه می‌باشد مانند صد سکه بهار آزادی، در این مورد نیز بهای خواسته براساس نرخ رسمی اعلامی بانک مرکزی تعیین می‌شود)

*** نکته حائز اهمیت در این مورد این است که در مواردی که بهای خواسته از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود، خوانده نمی‌تواند به بهای خواسته اعتراض نماید.

در دعاوی چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌کنند، بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود.

در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در موارد معین استیفا یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که فرد خود را ذی حق در مطالبه آن می‌داند و در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده یا مادام‌العمر باشد، بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ۱۰ سال یا آنچه را که ظرف ۱۰ سال باید استیفا کند. (استیفا یعنی گرفتن، دریافت کردن)

در دعاوی راجع به اموال، بهای خواسته همان مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده است و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد یا اعتراض نکرده است؛ مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

تعیین خواسته غیرمالی:

اگر خواسته غیرمالی باشد، فقط خواسته باید تعیین شود اما اگر خواسته مالی باشد، علاوه بر خواسته باید بهای خواسته نیز معین شود، مگر اینکه تعیین بهای خواسته ممکن نباشد.

اعتراض به بهای خواسته:

اعتراض به بهای خواسته در صورتی مورد توجه قرار می‌گیرد که:

اولاً تا نخستین جلسه دادرسی عنوان شده باشد.

ثانیاً: با توجه به مقررات مواد ۲۲۱ و ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی در قابلیت تجدیدنظر و عندالاعتضا فرجام رأی موثر باشد.

ثالثاً: علاوه بر دو شرط مزبور شرط سومی را نیز باید افزود و آن اعلام بهای مورد نظر خواننده (حداقل تعیین‌کننده مراحل بعدی) است. بنابراین چنانچه خواننده به موجب لایحه‌ای که به نخستین جلسه دادرسی تقدیم می‌کند، منحصرأً به بهای خواسته اعتراض کند یا با وجود حضور در نخستین جلسه دادرسی و اعتراض، بهای مورد ادعای خود را اعلام نکند، دادگاه نباید به آن اعتنا کند.

مطابق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور مدنی :

خواهان در تمامی مراحل و مقاطع دادرسی می‌تواند خواسته خود را کاهش داده لکن تنها تا پایان جلسه اول دادرسی می‌تواند خواسته خود را افزایش دهد یا نحوه دعوا یا درخواست را تغییر دهد مشروط بر اینکه با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأی واحدی داشته باشد. در قانون شوراهای حل اختلاف نیز تعیین خواسته و بهای آن تقریباً به مانند قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور مدنی می‌باشد

مطابق تبصره ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف:

بهای خواسته بر اساس نرخ واقعی آن تعیین می‌گردد، چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف موثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی راساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می‌نماید. تنها تفاوت قانون شورا با قانون آیین دادرسی دادگاه‌ها در امور مدنی در این است که قاضی شورا می‌تواند راساً به بهای خواسته اعتراض نماید در صورتی که در دادگاه اعتراض به بهای خواسته از حقوق خواننده می‌باشد و قاضی این اختیار را ندارد که راساً به بهای خواسته اعتراض نماید.

فصل دوم:
خواست، تغییر، کاهش و افزایش



تعریف خواسته:

خواسته یا مالی است یا غیرمالی، تعهدات یا جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد. آنچه را که خواهان از دادگاه درخواست دارد (عنوان دادخواست) شرح دادخواست: ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشته‌ها، شهود و غیره.

یابه بیان دیگر، از نظر حقوقی به معنای مدعی به و یا آن چیزی که در مرافعات و امور حسبی از دادگاه می‌خواهند و یا آنچه را که مدعی از دادگاه تقاضا می‌کند، تعریف شده است.

ویک تعریف دیگر، آنچه خواهان را وادار می‌کند که در دادگاه حاضر شود و دادخواست تنظیم کند وجود حقی است که خواهان ادعای نقض آن را توسط خوانده دارد. به این ترتیب خواسته، گستره و هدف دادرسی را مشخص کرده و می‌تواند مالی مانند پول یا یک واحد مسکونی باشد یا غیر مالی مانند الزام به تمکین یا انجام عملی باشد.

تعریف مردد بودن خواسته

مبهم و نامعلوم بودن خواسته اصلی را مردد بودن آن تعریف میکنند.

چنانچه خواهان از طرفی ابطال قرارداد به دلیل جعل امضا، و از طرف دیگر به دلیل صوری بودن معامله را مطرح نماید موضوع از مصادیق مردد بودن خواسته تلقی شده و قرار عدم استماع دعوی صادر می‌شود.

تعریف خواسته منجز:

خواسته ایی می‌باشد که مردد بین ۲ موضوع یا ۲ واقعه نباشد و یا تحقق آن موکول به تحقق شرطی در آینده نباشد بنابر این تعریف برای اینکه خواسته منجز باشد باید: معلوم باشد نه مردد بین دو یا چند امر.

علاوه بر معلوم بودن، در زمان تقدیم دادخواست وجود فعلی داشته باشد، یعنی مدعی خود را در آن زمان بالفعل مستحق خواسته بداند.

اوصاف خواسته:

الف) خواسته، به لحاظ جنس، نوع، وصف و مقدار معلوم باشد.

ب) دعوا صحیح و دارای اثر باشد مواردی مانند ادعای هبه بدون اقباض، ادعای مالکیت بر شراب

یا خوک (مواردی که تملک آن برای مسلمان حرام است) و ... در دادگاه مسموع نیست.

پ) دعوا برای حل اختلاف جاری باشد، نه برای پیشگیری از آن در آینده
ت) موضوع خواسته صریحاً خواهان را صاحب حق بدانند برای مثال به خوانده بگویند که این ماشین که در تملک تو می‌باشد هم اکنون برای من است.

اقسام خواسته:

خواسته مالی: خواسته مالی، همانطور که از اسمش برمی آید به دعوی گفته می‌شود که خواسته آن مال بوده و دعوی غیرمالی نیز دعوی است که خواسته آن غیرمالی باشد. دعوی مالی همواره به طور مستقیم واجد آثار مالی است. حق مالی حقی است که اجرای آن به طور غیرمستقیم برای دارنده آن منفعتی ایجاد کند و بتواند آن را به پول ارزیابی کند. مانند حق مالکیت خواسته غیر مالی: حق غیرمالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق، روابط غیرمالی اشخاص است، ارزش داد و ستد ندارد و به طور مستقیم، قابل ارزیابی به پول و مبادله با آن نیست.

تقسیم بندی دعاوی و آثار ناشی از آن:

دعوی به دعوی مالی و غیرمالی قابل تقسیم‌بندی است؛

الف - شرایط دادخواست: طبق بند ۳ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی که شرایط دادخواست را تعیین نموده است، خواهان دعوا در دعوی مالی باید بهای خواسته را تعیین کند ولی در دعوی غیرمالی چنین وظیفه‌ای را بر عهده ندارد.

ب - قابلیت تجدیدنظر خواهی: طبق ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی احکام صادره در خصوص دعوی غیرمالی همواره قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشند اما احکام صادره در دعوی مالی صرفاً زمانی قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشند که خواسته دعوا یا ارزش آن بیش از ۳ میلیون ریال باشد. در خصوص فرجام خواهی نیز طبق بند یک ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی در دعوی مالی احکامی که در آن‌ها خواسته‌ی دعوا بیش از ۲۰ میلیون ریال باشد، قابل فرجام خواهی است و در خصوص دعوی غیرمالی نیز مطابق بند ۲ ماده ۳۶۷ و بند الف ماده ۳۶۸ همین قانون صرفاً تعداد محدودی از این دعوی قابل فرجام خواهی می‌باشند. اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولید در دادگاه‌های بدوی و اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف در دادگاه‌های تجدیدنظر استان)

پ - هزینه دادرسی: طرح دعوای مالی در محاکم دادگستری (دادگاه‌های عمومی حقوقی) وفق ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و همچنین بخشنامه یکنواخت سازی هزینه دادرسی ریاست محترم قوه قضائیه در سال ۱۳۹۷ به شرح ذیل است:

هزینه دادرسی دعوای مالی در خصوص اموال غیرمنقول: اگر دعوا در خصوص اموال غیرمنقول باشد مثل خلع ید از اموال غیرمنقول هزینه دادرسی بر اساس ارزش معاملاتی ملک در منطقه محاسبه و دریافت می‌شود

هزینه دادرسی دعوای مالی در خصوص اموال منقول: در این موارد ملاک برای محاسبه هزینه دادرسی تقویم خواسته از سوی خواهان است. یعنی ارزیابی ارزش خواسته از سوی شخص خواهان در دادخواست. شایان توجه است که در خصوص وجه نقد ارزیابی خوا در مرحله بدوی: در مرحله بدوی تا مبلغ دویست میلیون ریال دو نیم درصد ارزش خواسته و مازاد بر آن سه و نیم درصد در مرحله وخواهی (شکایت از حکم غیابی) و مرحله تجدیدنظر: هزینه دادرسی بر اساس ارزش محکوم‌به محاسبه می‌شود و میزان آن چهار و نیم درصد محکوم‌به است؛

در مرحله فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث: هزینه دادرسی بر اساس ارزش محکوم^۲ به محاسبه و پرداخت می‌شود که تا پنج و نیم درصد است.

نکته: بطور کلی، خواهان موظف است در دعوای مالی هزینه‌ی دادرسی را در مرحله‌ی بدوی براساس ارزش یا بهای خواسته‌ی دعوا و در مرحله‌ی تجدیدنظرخواهی و وخواهی براساس میزان محکوم^۳ به بردارد. این در حالی است که در دعوای غیرمالی میزان هزینه‌ی دادرسی به صورت مقطوع در قانون بودجه‌ی هر سال مشخص می‌شود.

تغییر خواسته

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حقوقی را برای خواهان در نظر گرفته است که تا پایان جلسه اول دادرسی می‌تواند آن را اعمال کند. این حقوق به عنوان تغییر دعوا تعبیر می‌شوند. تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی که با دعوای طرح شده هم منشا و مرتبط باشد و تا جلسه اول دادرسی اعلام شود امکان پذیر است.

لایحه تقاضای تغییر خواسته این امکان را به خواهان می‌دهد در صورتی که پس از تقدیم دادخواست

و تا پایان اولین جلسه دادرسی، خواسته خود را به شرطی که با موضوع دعوا هم منشا باشد، تغییر دهد و طی یک لایحه این موضوع را به دادگاه اعلام نماید، البته انجام این امر تنها تا پایان اولین جلسه رسیدگی امکان پذیر می‌باشد.

کاهش خواسته

جهت کاهش خواسته وجود یکی از دو شرط ذیل ضروری می‌باشد.

خواسته معلوم باشد.

خواسته عین معین باشد.

کاهش خواسته، بر اساس ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی خواهان در هر مرحله از مراحل دادرسی می‌تواند، خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده، کم کند. کاهش خواسته تاسیس حقوقی خاصی است که برای خواهان این حق را ایجاد می‌کند که از حدود مطالبات خود در دعوی بکاهد. کاهش خواسته ممکن است منشا آثار حقوقی متعددی چون تغییر قابلیت اعتراض گردد. در فرجام خواهی کاهش خواسته معنی ندارد زیرا رسیدگی در دیوانعالی کشور شکلی است. ولی اگر دیوانعالی رای را نقض کند و پرونده را برای رسیدگی ماهیتی به دادگاه بدوی یا تجدیدنظر بفرستد در آن مرحله کاهش خواسته امکانپذیر است.

کاهش خواسته تشریفات خاصی ندارد و به صرف درخواست شفاهی خواهان یا وکیل وی صورت می‌گیرد و به صرف درخواست شفاهی خواهان در صورتجلسه دادگاه درج و به امضای خواهان می‌رسد. کاستن خواسته در هزینه دادرسی تاثیری ندارد و باعث استرداد ما به التفاوت هزینه دادرسی نمیشود ولی اگر خوانده دعوا محکوم شود محکوم به پرداخت هزینه دادرسی میشود. در نوشتار پیش رو ضمن بررسی مهمترین موارد و شرایط کاهش خواسته، مهلت کاهش خواسته را بررسی خواهیم کرد.

کاهش خواسته را در چه مواردی می‌توان انجام داد؟

خواسته مطالبه‌ای است که خواهان هنگام تنظیم دادخواست ادعا می‌کند مورد تعرض واقع گردیده است. برای مثال در مورد دعوی تحویل ۱۰۰ تن گندم خواسته دعوا مطالبه ۱۰۰ تن گندم می‌باشد. در چنین دعوایی کاهش خواسته مثل این است که خواهان در جریان رسیدگی از دادگاه بخواهد تنها به مطالبه ۵۰ تن گندم رسیدگی نماید.

به طور کلی خواسته، کاهش و افزایش آن از موضوعات دادرسی مدنی به شمار می‌رود. در واقع در موضوعات مربوط به دعاوی کیفری که در دادگاه‌های کیفری طرح می‌گردد، خواسته وجود ندارد، بلکه در این مورد بخش اتهام و انتساب آن به متهم مطرح می‌گردد.

اختیار انجام کاهش خواسته تنها با خواهان است، چرا که خواننده دعوی را طرح نمی‌کند که بخواهد در مورد خواسته و میزان آن تصمیم‌گیری نماید. هرچند طبق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی خواسته را می‌توان همه مراحل رسیدگی کاهش داد، لیکن افزایش خواسته تنها در صورت وجود برخی شرایط قانونی خاص امکان‌پذیر است.

برای کاهش خواسته خواهان یا وکیل او می‌بایست، درخواست خود را مبنی بر کاهش یافتن خواسته تنظیم کرده و به دادگاه حقوقی تقدیم نماید. دادگاه پس از بررسی دلایل و مستندات خواهان یا وکیل قرار مقتضی صادر می‌نماید.

دلایل کاهش خواسته

کاهش خواسته ممکن است به دلایل گوناگونی انجام گیرد. ممکن است خواهان در حین دادرسی متوجه شود میزان خواسته‌ای که مطالبه نموده است، بیشتر از میزان واقعی مطالبات او می‌باشد. از همین رو خواهان ممکن است برای این که حکم محکومیت خوانده صادر نگردد، درخواست کاهش خواسته را به دادگاه حقوقی تقدیم نماید.

همچنین ممکن است خواهان در جریان دادرسی متوجه شود، خوانده توانایی پرداخت تمام خواسته را ندارد. در چنین شرایطی خواهان برای این که حق خود نسبت به مطالبه مابقی خواسته را حفظ کنند، می‌تواند به دادگاه حقوقی مراجعه نموده و از میزان خواسته بکاهد.

کاهش بهای خواسته؛ بهای خواسته یکی از موضوعاتی است که می‌بایست هنگام طرح دعوی در دادخواست ذکر شود. بهای خواسته معمولاً ارزش ریالی خواسته است که مبنای تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به حکم و تعیین قابلیت اعتراض به رای قرار می‌گیرد.

کاهش خواسته را نباید با کاهش بهای خواسته اشتباه گرفت. طبق ماده ۹۸ کاهش خواسته در تمام مراحل رسیدگی امکان‌پذیر است، در حالی که کاهش بهای خواسته اصولاً ممکن نیست.

مهلت زمان کاهش خواسته

همانطور که اشاره شد برای کاهش خواسته مهلت خاصی تعیین نشده است و در تمام مراحل

مراحل دادرسی (بدوی، واخواهی، تجدیدنظر) امکان کاهش خواسته وجود دارد و از هنگام طرح دعوی و تقدیم دادخواست، خواهان می‌تواند میزان خواسته را کاهش دهد. مستند قانونی کاهش خواسته ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد. مطابق بند اول ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ”خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند.“

شرایط کاهش خواسته در ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی

کاهش خواسته فقط به خواسته‌ای است که در دادخواست تصریح شده است به عنوان مثال در دعوی مالی اگر خواسته خواهان مطالبه ۸۰۰ میلیون تومان می‌باشد می‌تواند خواسته را به مبلغی کمتر کاهش بدهد. اثرات کاهش خواسته

تغییر در محدوده رسیدگی دادگاه: کاهش خواسته باعث می‌شود محدوده رسیدگی دادگاه تا حد خواسته جدید کاهش یابد و دادگاه دیگر مجاز نیست که به بیش از مبلغ جدید خوانده را به بهایی محکوم نماید.

دریافت خسارت بر مبنای خواسته جدید: کاهش خواسته در خسارت دادرسی که خواهان در صورت محکومیت بایستی به خوانده پرداخت نماید، خود را نشان می‌دهد و خسارت بر مبنای خواسته جدید لحاظ می‌شود.

شکایت از رای بر اساس خواسته کاهش یافته: هنگامی که خواسته کاهش پیدا می‌کند، امکان یا عدم امکان شکایت از رای بر اساس خواسته کاهش یافته ملاک عمل است.

آیا با کاهش خواسته از هزینه دادرسی کاسته میشود؟

هزینه دادرسی به هنگام تنظیم دادخواست با توجه به خواسته اولیه درج شده در دادخواست مشخص می‌شود فلذا کاهش خواسته پس از این مرحله موجب کاهش هزینه دادرسی نمی‌گردد و هزینه دادرسی با توجه به همان مبلغ درج شده سابق در نظر گرفته می‌شود.

آیا کاهش خواسته تأثیری در خسارات دادرسی دارد؟

برخلاف هزینه دادرسی، چنانچه خواسته کاهش پیدا کند، خسارت دادرسی نیز به تبع کم کردن خواسته کاهش می‌یابد و بر مبنای خواسته جدید محاسبه میشود.

افزایش خواسته

برطبق قانون به خواهان دعوا اجازه داده شده که بعد از تقدیم دادخواست در صورت نیاز مبادرت به تصحیح یا تغییر و تکمیل ادعاهای قبلی و اصلی خود کند. برطبق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از مواردی که برای خواهان وجود دارد، افزایش خواسته دعوا است.

مواد قانونی مرتبط با افزایش خواسته در آیین دادرسی مدنی

ماده ۹۸- خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوای طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.

ماده ۱۰۳- اگر دعوای دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آن‌ها یک‌جا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد در یکی از شعب با تعیین رئیس شعبه اول یک‌جا رسیدگی خواهد شد.

ماده ۶۱- بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظر خواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

ماده ۶۲- بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود؛

در دعوای چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود؛

در دعوای راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند. در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند؛

در دعوای راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری

معین کرده باشد.

ماده ۶۳- چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

نمونه تقاضای افزایش خواسته

بسمه تعالی

ریاست محترم شعبهدادگاه عمومی حقوقی زنجان

با سلام و عرض ادب احتراماً اینجانب.....مرتضی محمدی وکیل پرونده..... خواهان به شماره پرونده و کلاسه..... مطروحه در شعبه حضرتعالی همزمان با جلسه اول رسیدگی تقاضای افزایش خواسته و مطالبه وجه التزام قراردادی از مبلغ(مبلغ قبلی) به مبلغ (مبلغ جدید) و تا روز اجرای حکم را استدعا دارم بدیهی است به محض دستور حضرتعالی کلیه مبلغ هزینه دادرسی بر اساس میزان خواسته جدید پرداخت می گردد.

قبلاً از الطاف حضرتعالی کمال تشکر را دارم

مرتضی محمدی